



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



12 جولای 2024

داکتر سید عبدالله کاظم

به تقریب پنجاه و یکمین سالروز کودتای 26 سرطان 1352

## دلیل موفقیت کودتا بیشتر از همه ناشی از اغفال شخصیت های مسئول امور نظامی رژیم سلطنتی بود!

### کودتا - "یا تخت است یا تابوت!"

وظیفه اساسی در شب کودتا گرفتاری مسئولان درجه اول حکومت و قوماندان های فعال قوای مسلح افغانستان و در عین زمان اشغال مرکز رادیو، فلج نمودن ارتباط مخابراتی در شهر کابل بود. تکتیک کودتا را اقدام پنهانی، فوری و سریع تشکیل میداد و نام محمد داؤد و شهرت و اعتبار او قوت الظهر کودتا بود. نبی عظیمی در کتاب "اردو و سیاست" راجع به نکات ضعف پلان تکتیکی کودتا می نویسد: «این پلان بسیار ساده، سطحی و ضعیف بود و ریسک کردن و ماجراجویی در آن بیشتر رول داشت تا محاسبه دقیق و منظم نظامی و حل و فصل پیچیدگی های یک پلان منظم که می بایست برای تعرض بالای یک اردوی منظم و وفادار طرح می شد، در آن طور لازم وجود نداشت و نقاط ضعیف آن بسیار بود. یکی از این ضعف ها حل نشدن تشریک مساعی بین قوتها بود. قطعات بصورت مستقل عمل میکردند، هیچکس اوامر محل قوماندان را نمی شنید و در لحظات ضروری نمیتوانست از طریق بیسیم به آن اطلاع دهد. جهت دفع و طرد حملات احتمالی فرقه 7 و 8 که در قرغه و ریشخور سوق الجیش داشتند، هیچگونه تدابیری اتخاذ نشده بود. به رول و نقش قطعات ژاندارم و پولیس که میتوانستند با مقاومت خود، زمان برای سردار عبدالولی کمایی کنند، کم بها داده شده بود. خاصاً مسئله تأمین ارتباط بین قوتهای کودتاجی از یکطرف و افراد منفرد "گروپهای گرفتاری" بسیار سطحی بود و حتی وجود نداشت، چنانچه در شب دهم سرطان در حالیکه امر حرکت داده شده بود و حتی بعضی از قطعات کودتاجی از جا کنده شده [آماده حرکت] بودند، به نسبت استقرار یک قطعه از قرغه در بالا حصار، نزدیک بود کودتا افشا و عاملین آن دستگیر شوند. تهیه چنین پلان بسیط و ساده نمیتوانست کار روسها باشد، زیرا آنها نمیتوانستند با چنین پلان ساده به موفقیت آن اطمینان داشته باشند. ممکن است شبکه استخباراتی روسها و کا جی بی معلومات در مورد وقوع یک کودتا حاصل کرده باشند، اما این به معنی آن نبود که در تهیه و ترتیب پلان و دادن مشوره به محمد داؤد خان و مورد اجرای کودتا نقشی را ایفا کرده باشند.» (نبی عظیمی: "اردو و سیاست"، صفحه 85 - 86)

داکتر حسن شرق در کتاب "تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان" (صفحات 486 تا 490) از جمعاً 111 نفر نظامی نام می برد که در کودتا اشتراک داشتند، به این ترتیب که: 32 نفر نظامی از قطعات مربوط قوای 4 و 15 زره دار که 28 نفر آن از لمری بریدمن تا خورد ضابط بودند، 34 نفر از مربوطات قوای هوایی و پیلوتان، 32 نفر از نظامی های "احتیاط" که به سلاح دسترسی نداشتند و بیشتر در ادارت نظامی کار میکردند که اکثر شان در رتبه جگنورن قرار داشتند، 7 نفر - لمری بریدمن از قوای کوماندو و 6 نفر لمری بریدمن از قطعه انضباط.

با این تعداد کم و آنهم بیشتر کسانی که در پایانترین رتبه نظامی قرار داشتند و همچنان عده دیگر از نظامی های احتیاط فاقد دسترسی به سلاح با ضعف پلان تکتیکی کودتا که فوقاً بیان شد، به مقایسه قوتها تحت امر عبدالولی در قوای مرکز، بر احتمال خطرناکامی کودتا افزوده بود و این موضوع مایه پریشانی و نگرانی محمد داؤد گردیده بود که چند بار آنرا با حسن شرق و پاچاگل و فادار در میان گذاشت و از آنها خواسته بود که:

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنيزی بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولی

«در صورت ناکامی کودتا اگر موفق به خودکشی نشدم، مرا از بین ببرید، زیرا زندگی ارزش اسارت را ندارد.»  
با تمام این کوتاهی ها باز هم اقدام به کودتا موفقانه صورت گرفت و در ظرف پنج ساعت (از یک بجه شب تا 6 صبح روز 26 سرطان) بساط چهل ساله سلطنت برچیده شد.

اکنون سؤال در اینست که دلیل موفقیت کودتا با وجود کمبودها در پلان تکتیکی و تعداد قلیل مشمولین کودتا، آنهم بیشتر نظامیان پایان رتبه و احتیاط در چه بود؟ آیا کودتاچیان برنده یک قمار سیاسی - نظامی شده بودند یا چطور؟

جواب این سؤال را میتوان در عدم تحرک و بی توجهی مسئولان درجه اول نظام سلطنتی، بخصوص در ساحه نظامی جستجو کرد، نه تنها در اجراءات شان قبل از کودتا، بلکه در همان شب کودتا که همه در خانه های خود آرام و بیخبر از وقوع حادثه در خواب ناز فرو رفته بودند و صدای غرش تانکها و تحرک نظامیان کودتاچی از فاصله بالا حصار و پلچرخ تا شهر، همچنان در داخل ارگ با بیرون کشیدن چند تانک از آنجا در گوش آنها اثر نکرد و نیز کسانی که در قرارگاه ها و قطعات نظامی باید در ارتباط به وظیفه، شب را بیدار و مراقب اوضاع می بودند، به خواب غفلت رفته به کوچکترین اقدام متوسل نشدند و حتی به آمران خود اطلاع ندادند. همان بود که رفتن سه چهار نظامی پایان رتبه همراه با یکی از سرگروپان به خانه هریک از مسئولان درجه اول و دیگر ارکین مسئول امنیت توانستند آنها را به سهولت دستگیر نموده و به محل معینه توقیف انتقال دهند. با این ترتیب کودتا به سادگی و بدون مقاومت و کمترین تلفات به سرعت در ظرف پنج ساعت موفقانه به پایان رسید.

نبی عظیمی که در شب کودتا وظیفه گرفتاری وزیر دفاع خان محمدخان را بر عهده داشت، پس از انجام موفقانه این وظیفه، شرحی از فعالیت سایر گروپ های کودتاچی در مورد چگونگی گرفتار کردن دیگر شخصیت های مهم رژیم شاهی ارائه داشته و ضمن یادآوری از گرفتاری مسئولان درجه اول: شهزاده احمدشاه وکیل سلطنت، موسی شفیق صدراعظم، سردار عبدالولی قوماندان قوای مرکز و مارشال شاه ولیخان و خانم شان که در آنوقت در پغمان بودند، از یک تعداد کسانی دیگر نام می برد که در آن شب توسط کودتاچیان گرفتار و به توقیف برده شدند، از جمله: جنرال گلپهار خان قوماندان هوایی، جنرال غلام محمد قوماندان گارد شاهی، تورنجنرال قمرالدین قوماندان عمومی توپچی، دگروال رحمت الله صافی قوماندان قوتهای کوماندو، جنرال عبدالحکیم کتوازی قوماندان فرقه 7 ریشخور، تورنجنرال نواز خان قوماندان فرقه 8 قرغه، برید جنرال شیرمحمد قوماندان قوای 4 زره دار، جنرال محمدحسن قوماندان قوای 15 زره دار، جنرال محمد طاهر قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس، قوماندان های غنדהا و مفرزه های میدان هوایی کابل و بگرام و بعضی مهره های مهم در سطح پایان مانند دگر من عبدالحنان قوماندان امنیه کابل، گل نبی سرمامور پولیس. (برای شرح مزید دیده شود: نبی عظیمی: "اردو و سیاست"، جلد اول و دوم، چاپ دوم، پشاور، 1377، صفحات 83 تا 92)

ساعت شش صبح کار کودتا به پایان رسید و فقط چهار نفر از آنها (حبیب الله رزمی تانکیست قطعه ارگ با سه نفر همکارانش) در اثر سر از بردن تانک شان در حاشیه دریای کابل بر حسب تصادف وفات کردند و گفته میشود که 6 - 7 نفر از قوای حکومتی نیز در نتیجه برخورد با قوای کودتاچی جان باختند، دیگر هیچ تلفات انسانی طی ساعات کودتا به وقوع نپیوست و به همین دلیل این رویداد بنام "کودتای سفید" شهرت یافت.

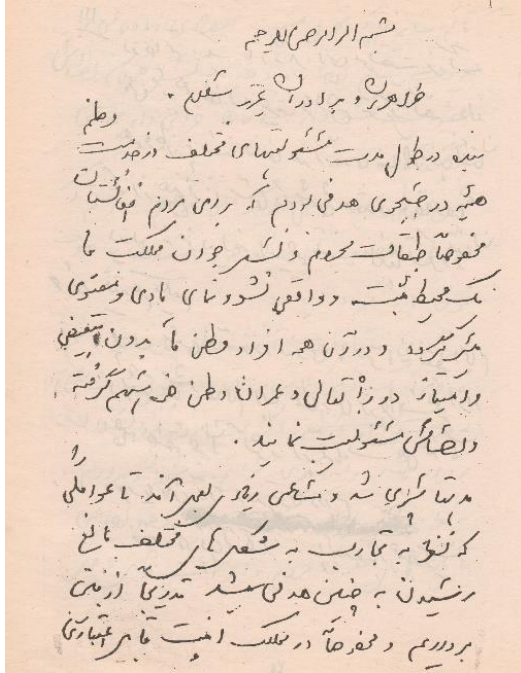
### بیانیه تاریخی محمد داؤد: "اعلام جمهوریت"

در همین صبح زود 26 سرطان که دستگاه تلیفون از کار بازمانده بود و دستگاه رادیو افغانستان نیز توسط قوای کودتاچی اشغال گردیده بود، محمد داؤدخواست با ایراد بیانیه مختصر که باید از طریق رادیو پخش شود، تحول جدید را به اطلاع مردم کشور برساند. او به ساعت 7 بجه و 20 دقیقه صبح به استیشن رادیو افغانستان رفت. در حالیکه رادیو موزیک مارش عسکری را پخش میکرد، حین ورود محمد داؤد در داخل اتاق پخش خبر، مهدی ظفر - نطق مؤظف رادیو اعلام کرد که: «اکنون سردار محمد داؤد بیانیه میدهد»، در همین لحظه محمد داؤد خطاب به نطق به صدای بلند که در رادیو نیز پخش شد، گفت: «برادر دیگر مرا و هیچکس را سردار خطاب نکنید؛ سرداری برای همیشه از افغانستان رخت بسته است.» با ابراز این مطلب محمد داؤد که رهبری کودتا را بعهده داشت با حضور چند تن از سرگروپ های کودتا در جوارش، بیانیه تاریخی خود را جهت "اعلام جمهوریت" از روی متن دستنویس که خودش قبلاً تهیه کرده بود، با این عبارات آغاز کرد:

## بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران عزیز سلام!

بنده در طول مدت مسولیت‌های مختلف در خدمت وطن همیشه در جستجوی هدفی بودم که برای مردم افغانستان مخصوصاً طبقات محروم و نسل جوان مملکت ما یک محیط مثبت و واقعی نشو و نما و معنوی میسر گردد و در آن همه افراد وطن ما بدون تبعیض و امتیاز در راه تعالی و عمران وطن خود سهم گرفته و احساس مسولیت نمایند. مدت‌ها سپری شد و مساعی زیادی بعمل آمد تا عواملی را که نظر به تجارب به شکل‌های مختلف مانع رسیدن به چنین هدفی می‌شدند، تدریجاً از بین برداریم و مخصوصاً در مملکت امنیت قابل اعتباری قائم سازیم که تحول مثبت اقتصادی و اجتماعی را بصورت سالم اجازه دهد، به نسل جوان احساس مسولیت بخشد و از نشو و نما خرافی و ارتجاعی جلوگیری نماید. پس از طی این مراحل، دیگر علتی سراغ نداشتیم که در وطن ما صفحه جدیدی به غرض رسیدن به هدف فوق بازنگردد.



من برای سعادت وطن خود جز قایم ساختن یک دیموکراسی واقعی و معقول که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد، راه دیگری سراغ نداشتیم و ندارم.

به نظر بنده تهداب اصلی چنین یک وضع اجتماعی تأمین کامل حقوق مردم و اعتراف کامل باصل حاکمیت ملی است که باید به دو اصل فوق ظاهر و یا پوشیده خلی وارد نشود. این آرزوی مقدس بود که مرا و ادار ساخت، ده سال قبل

من و رفقایم پیشنهاد آخرین خود را به حضور شاه سابق پیش و تطبیق آنرا برای خیر و سعادت ملت تمنا کنیم. آن آرزوی مقدس چرا به این بی سر و سامانی مملکت منجر گردید و چرا آن رفقای ضعیف النفس از اصل هدف منحرف و راه خطا را تعقیب کردند، داستانی است بس طولانی که تفصیل آن درین فرصت کوتاه گنجایش ندارد و در فرصت مساعد البته به اطلاع هموطنان عزیز رسانیده خواهد شد.

بهر صورت نتیجه آن شد تا آن امید‌های دیرینه و آن آرزوهای نیک به دیموکراسی قلبی که ابتداء تهداب آن بر عقده‌ها و منافع شخصی و طبقاتی، بر تقلب و دسایس، بر دروغ و ریا و مردم فریبی استوار گردیده بود، مبدل گردید. اما تمام این تبلیغات دروغی در ظرف همین ده سال نتوانست حقایق تلخ را که عبارت از انحطاط و ورشکسته‌گی مطلق وضع اقتصادی، وضع اداری، وضع اجتماعی و سیاسی مملکت باشد، از انظار ملت افغانستان و دنیای خارج بپوشاند. خلاصه دیموکراسی یعنی حکومت مردم به یک انارشیزم و رژیم سلطنت مشروطه به یک رژیم مطلق العنانی مبدل شد؛ هر کدام ازین قدرت‌ها به جان هم دیگر و به جان مردم افتادند و به پیروی از فورمول تفرقه انداز و حکمرانی کن، آتشی را در سرتاسر مملکت افروختند تا بتوانند در سایه این فضای ملوث و تیره و تار، پراز بدبختی و فقر و فلاکت مقاصد شوم مادی و ممکن سیاسی خود را حاصل نمایند.

وطن پرستان در هر گوشه و کنار مملکت که بودند این حالت رقتبار وطن خود را با یک دنیا تأسف و تالم نگاه می‌کردند و مراقب احوال وطن خود بودند، مخصوصاً اردو این درد را از همه بیشتر احساس می‌کردند و به امید اینکه امروز و فردا این دستگاه فاسد و فرسوده بالاخره از وضع بدبخت ملت مطلع و به اصلاح خود خواهد کوشید، انتهای صبر و تحمل را به خرج دادند، اما نتیجه ثابت ساخت که این امید بکلی بی جا و رژیم و دستگاه دولت به حدی فاسد گردیده که دیگر امید و انتظاری برای اصلاح آن باقی نماند. لذا همه وطن پرستان و خاصه اردوی وطن پرست افغانستان تصمیم گرفت که دیگر به این نظام فاسد خاتمه داده شده و وطن ازین ورطه بدبختی نجات یابد.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

هموطنان عزیز! باید به اطلاع شما برسانم که دیگر این نظام از بین رفت و نظام جدیدی که عبارت از نظام جمهوریت است و با روحیه حقیقی اسلام موافق است، جاگزین آن گردید. رفقای من و من از صمیم قلب این اولین جمهوریت افغانستان عزیز را به شما تبریک می گویم و آنرا برای سعادت و سرفرازی افغانستان عزیز و ملت افغانستان مسعود و میمون می خواهم.

اردوی فداکار افغانستان به هر کجا و گوشه و کنار مملکت که هستید، این موفقیت را به همه تان تبریک می گویم. یقین دارم همچنان به وظایف خود که عبارت از تأمین امنیت و حفظ حاکمیت ملی افغانستان است مواظب خواهید بود. نظام نوین طبعاً با خود ریفورم های بنیادی دارد که تفصیل آن درین فرصت کوتاه ممکن نیست و در آینده نزدیک به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید.

سیاست خارجی افغانستان به اساس بیطرفی عدم انسلاک در پیمان های نظامی و قضاوت آزاد خود مردم افغانستان استوار خواهد بود. سیاست بین المللی افغانستان بر اساس تمنیات ملی کشور برای حیات مادی و معنوی مردم ما مطرح گردیده است. از روی مساعی و آرزوهای ملی ما به طور واضح معلوم می شود که بر آوردن تمنیات ما بیشتر از همه به صلح جهان نیازمند است. هیچ کشور جز در پرتو صلح گیتی نمیتواند در آرزوهای ملی خود موفق شود. چون ما بیشتر از همه کس خود را نیازمند سعی در راه انکشاف مملکت خود می دانیم، بیشتر از همه کس خواهان صلح و سلم جهان هستیم، ازین رو پایه نخستین سیاست افغانستان صلح خواهی و دوستی با همه مردم و ملل جهان است.

درین آرزومندی از هیچگونه تبعیض در مورد هیچ کشور یا مردم، چه خورد و چه بزرگ، چه دور و چه نزدیک، در نزد ما وجود ندارد. این اراده مستقل از تمنیات مردم افغانستان سرچشمه می گیرد. عنصری که سیاست بیطرفانه عنعنوی افغانستان را امتیاز می بخشد، صداقت و صمیمیت آشکار آن است که از استقلال اراده ملی مردم افغانستان نمایندگی می کند. به این اساس روابط مؤدت افغانستان را با دول متحابه بر پایه تزلزل ناپذیر استوار نگهداشته و درتوسیع و تشنید مزید آن از طریق دیپلوماسی، تماس های شخصی، ایجاد و جلب همکاری بین المللی، سعی بعمل خواهد آمد و آرزوی ما این است که از آن نتایج مثبت و عملی گرفته شود.

این نظام اساسات منشور ملل متحد را که هدف آن سعادت و آرامش دنیای بشری است، ملحوظ و محترم می شمارد. در مورد روابط ما با پاکستان که یگانه کشوری است که روی قضیه پشتونستان با آن اختلاف سیاسی داریم و تا کنون به حل آن موفق نگردیده ایم، سعی دایمی ما برای یافتن راه حل قضیه پشتونستان دوام خواهد کرد. در خاتمه یک بار دیگر این موفقیت بزرگ ملی را به همه هموطنان عزیز خویش تبریک گفته و از همه وطن پرستان، خاصه اردوی فداکار افغانستان که از هیچ گونه سعی و کوشش مقدور و خالصانه دریغ نه نموده اند، از صمیم قلب اظهار تشکر و امتنان خود را تقدیم می کنم.

چون سعی و آرزومندی ما نمیتواند نقطه انجام داشته باشد، دوام این همکاری از طرف همه افراد، خاصه طبقه جوان کشور از تمنیات قلبی همه ما است که به دریافتن آن امید قوی دارم.

زنده باد افغانستان

پاینده باد جمهوریت

(متن مکمل دست نویس این بیانیه را - برگرفته از سالنامه 1352 جمهوریت، میتوان در کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد از آغاز تا انجام" از این قلم در جلد دوم، چاپ کابل، سال 2019، صفحه 480 تا 490 عیناً مشاهده و مطالعه نمود.)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم